

# امنیت سرمایه‌گذاری

دکتر غلامحسین عبیری

## مقدمه

در مطالعات گذشته، به ویژه در بحث آزادی، امنیت و توسعه، در کتاب آزادسازی (۱۳۷۹) اشاره‌ای داشتیم که دکترین امنیت ملی در کشورهای در حال توسعه، می‌بایست حول محور امنیت شخصی قرار گیرد تا مساله فرار مغزها و سرمایه‌ها باعث بحران عمیق‌تر و تخریب بیشتر اینگونه جوامع نشود<sup>(۱)</sup>.

سرمایه‌گذاری امروز عصر جدیدی را تجربه می‌کند و نباید سرمایه‌دار را با افراد صاحب‌ثروت یا مال‌اندوز اشتباه گرفت. سرمایه‌گذاران در جامعه ایران که می‌خواهند تجربه کشورهای صنعتی را پشت سرگذارند، نیازمند امنیت هستند، اما قوانین کار، مالکیت، مسایل فرهنگی، ثبات سیاسی و معضلات اقتصادی و قضایی نتوانسته‌اند موجبات آرامش مناسب فضای فعالیت اقتصادی را برایشان فراهم سازند.

مطالعات اقبالی<sup>(۲)</sup> (۲۰۰۳) در حوزه سرمایه‌گذاری طی دوره ۱۳۳۸-۱۳۷۷ نشان می‌دهد که اثر سرمایه‌گذاری دولتی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی صرفاً یک اثر حمایتی و مکمل در همان دوره بوده، اما این رابطه از شدت زیادی برخوردار نیست. مطالعات بقایی‌فر<sup>(۳)</sup> (۱۳۷۹) طی سال‌های ۷۷-۱۳۵۰ هم نشان می‌دهد که علیرغم افزایش هزینه‌های دولت در بخش صنعت و معدن، سرمایه‌گذاری در این بخش با نرخ کاهشی روبرو بوده است. مطالعات نایینی و خیابانی<sup>(۴)</sup> (۱۳۷۹) برعکس

نشان داده است که افزایش حجم هزینه‌های دولتی، به‌خصوص هزینه‌های عمرانی بر تقاضای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اثر مثبت دارد. خلیلی عراقی<sup>(۵)</sup> (۱۳۷۶) نیز نشان داده است که سرمایه‌گذاری بخش دولتی جنبه تکمیلی و تشویقی دارد.

با وجود این، مطالعات مربوط به سرمایه‌گذاری از دیدگاه امنیت کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این مطالعه درصدد است تا بخش قابل‌توجهی از بحران پیش رو را با رویکرد آزادی و دموکراسی - آزادسازی مورد بررسی قرار دهد.

رکود اقتصادی، پیامدهای تحریم، ورود سطوح بالاتر تکنولوژی و عدم دسترسی به بازارهای پولی کارآمد، از جمله عوامل نگران‌کننده فضای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بشماره می‌روند.

## مشکل داده‌ها

به‌طور طبیعی بیشتر کشورهای در حال توسعه، از بعد ساختاری با کمبود آمار و اطلاعات روبرو هستند، حتی می‌توان ادعا نمود که این جوامع در تولید داده‌های آماری نیز با مشکل اساسی روبرو می‌باشند. بدیهی است که جامعه‌ای توسعه‌نیافته است که در فرایند تولید اطلاعات، ناقص عمل می‌کند. غروی نخجوانی<sup>(۶)</sup> (۱۳۸۱) در یک مطالعه

مبتنی بر به‌کارگیری مدل‌های رگرسیون بین متغیرهای سرمایه‌گذاری واقعی، رشد نقدینگی و درآمدهای ارزی نشان داده است که نتایج رگرسیون بر مبنای آمارهای جدید و قدیم بانک مرکزی، کاملاً تغییر کرده، به طوری که رابطه رشد نقدینگی و سرمایه‌گذاری در بخش صنعت با آمارهای قدیم مثبت و با آمارهای جدید منفی است و آزمون t آن نیز کاملاً اعتبار آماری خود را از دست داده است. همین معضل به شکل دیگری در بررسی‌های بخش خدمات هم مشهود است. این مطالعات دربرگیرنده داده‌های آماری سال‌های ۷۹-۱۳۵۸ می‌باشند.

اگرچه ممکن است تغییر سال پایه (قیمت‌های ثابت و جاری) باعث بروز معضل فوق شده باشد، اما در بیشتر موارد مشاهده می‌شود که داده‌های آماری توانسته‌اند خلأ تصمیم‌گیری را پر کنند. برای مثال، اگر سرمایه‌داری بخواهد با آشنایی به بازار، روند سرمایه‌گذاری خود را ساماندهی نماید، مطمئناً حوزه‌هایی از اطلاعات ناقص مسیر تصمیم‌گیری وی را مسدود می‌سازند و ریسک تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهند. بنابراین، اولین و اساسی‌ترین مشکل سرمایه‌گذار در اقتصاد ایران، کمبود داده‌ها و در نتیجه، تعارض در ساختار اطلاعات است. این نارسایی محصول اقتصادهای دولتی و متمرکز است. در واقع، فقدان مؤسسات خصوصی و مستقل آمار باعث شده است که جایگاه کارشناسان مستقل تضعیف شود و برعکس حوزه فعالیت کارشناسان وابسته - دولتی به‌شدت گسترش یابد.

جالب توجه این که فرایند تبدیل داده‌ها به اطلاعات و دانش نیز کاملاً تحت‌تأثیر نارسایی‌های فوق‌تر قرار گرفته و نتایج مختلفی را پیش روی مسوولان قرار داده و تعارض‌های ویژه‌ای را تشدید کرده است. این معضل محصول فقدان دموکراسی و نتیجه پنهانکاری فرایندها از نگاه مافوق است. تلاش در جهت حفظ موقعیت در شرایط انحصاری، این رفتار را توجیه کرده و وجود واکنش‌های مشابه در سطح گسترده نیز باعث شده است که رفتارهای خلاف این پدیده، ناهنجار بشمار آیند.

شخصیت‌های متزلزل، محصول این رویکرد اجتماعی است و بخش خصوصی در مقابل بخش دولتی، رفتارهایی را اتخاذ می‌کند که با ماهیت بخش خصوصی تعارض ماهوی دارد. بنابراین، بخش خصوصی خود را در فضای عدم‌اطمینان محصور می‌بیند.

نوسانات غیرمنتظره قیمت عوامل تولید، تصمیم‌گیری‌های غیرمنسجم و گسترش رویدادهای اجتماعی نیز مساله جمع‌آوری و طبقه‌بندی داده‌ها را با معماهای مختلفی روبرو ساخته که محصول پیش‌فرض‌های مختلف تصمیم‌گیران در بخش خصوصی است. بررسی آمار مربوط به اختلاس، ارتشا و جعل طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳ نشان می‌دهد که به میزان ۷۲ درصد افزایش یافته است. این معضلات محصول ناسازگاری بین رویدادهای موردانتظار و رویدادهای واقعی می‌باشند. حتی آمار خودکشی در همین دوره ۳۳ درصد افزایش یافته است<sup>(۷)</sup>. این نارسایی‌ها، حوزه اجتماعی را تحت‌تأثیر مسایل اقتصادی قرار داده، عدم‌توازن‌هایی را به کل ساختار تحمیل می‌کند.

در بیشتر موارد مشاهده می‌شود که داده‌های آماری نتوانسته‌اند خلأ تصمیم‌گیری را پر کنند.

### ضرورت شناخت تئوریک

با بررسی دیدگاه‌های نظری، می‌توان دریافت که در هر برهه از تاریخ اقتصادی، تصمیم‌گیری تحت‌تأثیر متغیرهای خاصی با فرایندهای معین قرار داشته است. برای مثال، به عقیده هیوم (۱۷۵۲) نرخ بهره توسط عرضه و تقاضای سرمایه تعیین می‌شود،

یا برعکس استوارت میل (۱۸۲۸) معتقد بود که متغیرهای پولی در بلندمدت، عامل تغییر نرخ بهره نمی‌باشند و از اینرو، حجم بیشتر یا کمتر پول در بلندمدت فاقد تأثیرگذاری بر نرخ بهره است<sup>(۸)</sup>. از طرف دیگر، کینز (۱۹۴۶-۱۸۸۳) اقتصاددان معروف بریتانیایی، پس‌انداز (عامل تشکیل سرمایه) را بیشتر تابع درآمد می‌داند تا نرخ بهره و معتقد است که ارتباط ضعیفی میان سرمایه‌گذاری و پس‌انداز وجود دارد. از نقطه‌نظر کینز، نرخ بهره متغیری نیست که بتواند عرضه و تقاضای وجوه سرمایه‌گذاری را به تعادل برساند<sup>(۹)</sup>. فریدمن (۱۹۱۲) هم نگاهی کلان به مساله دارد و معتقد است که هرگونه تغییر در عرضه پول، موجب تغییر ارزش اسمی تولید ناخالص ملی می‌شود.

بدین ترتیب، ملاحظه می‌کنید که این ترتیبات در ساختار اقتصاد صنعتی غرب معنی‌دار است، اما در خصوص فرایند اثربخشی متغیرها در کشورهای در حال توسعه، اطلاعات چندان روشنی در دست نیست. با وجود این، برخی از مطالعات کاربردی مانند مطالعات پژویان و دوانی (۱۳۸۳) نشان می‌دهند که در ازای یک درصد تغییر نرخ بهره بازار غیرمتشکل (غیررسمی)، سرمایه‌گذاری کل در اقتصاد ۰/۱۷ درصد تغییر می‌کند<sup>(۱۰)</sup>؛ اما این که روند این مطالعات تا چه اندازه در شکل‌گیری تصمیمات دولت موثر خواهد بود، چندان روشن نیست.

شکی نیست که در دو دهه اخیر، بازار سرمایه در ایران چند مشخصه زیر را را تجربه کرده است:

الف: شکاف زیاد بین نرخ بهره رسمی و غیررسمی.

ب: عدم شفافیت حوزه بازار سرمایه و پول.

پ: وجود سرمایه‌های سرگردان کافی در منطقه خاورمیانه.

ت: تعریف‌نشدن پدیده پولشویی در ساختارهای اقتصادی - اجتماعی.

ث: کشیدگی (Skewness) توزیع ثروت در کشور.

ج: تحریم اقتصادی و آثار نامطلوب آن بر روند سرمایه‌گذاری.

چ: محدودبودن تعداد کسانی که ویژگی‌های Entrepreneur را دارند.

با وجود این، سرمایه‌گذاری نسبت به نرخ بهره واقعی حساسیت بالایی دارد و نرخ بهره بازار

غیررسمی هم تحت‌تأثیر نرخ بهره در بازار رسمی است.

طی دهه اخیر ۱۳۸۵-۱۳۷۵ سهم بازار خدمات مرتباً افزایش و سهم بخش‌های کشاورزی، مسکن و صنایع کاهش یافته است. مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رشد بخش خدمات نیز دوره بازگشت سرمایه است که نسبت به سایر بخش‌ها بسیار محدودتر است و همین امر روند انتقال سرمایه‌ها به بخش خدمات را تسریع نموده است. نکته جالب توجه این که بخش خدمات در کشورهای صنعتی نیز بخش گسترده و اشتغال‌زا است.

با وجود این، نباید ساخت تئوریک مدل‌های کاربردی مناسب ساختار اقتصادی را از نظر دور داشت و تلاش کلیه کارشناسان علوم انسانی می‌بایست صرف شناخت دیدگاه‌های نظری و پیش‌فرض‌های رفتاری مردم در جامعه شود.

شکاف بین نرخ بهره رسمی و غیررسمی، بیان‌کننده عمق بحران در بازارهای مختلف سرمایه‌گذاری است.

### تعارض بخشی - بنگاهی

طبیعت تصمیم‌گیری‌های دولتی، کلان‌بودن است و اثربخشی آن هم بر مبنای رویکردهای بخشی مورد بررسی قرار می‌گیرد، در حالی که رویکردهای بخشی در زنجیره تصمیم‌گیری، اثرگذاری بنگاهی خواهند داشت و نمی‌توان ارزیابی یا پیش‌بینی درستی از تعارض بخشی - بنگاهی ارایه نمود.

داروغه و محمدی<sup>(۱۱)</sup> (۱۳۸۴) در یک مطالعه به این نتیجه‌گیری می‌رسند که نااطمینانی قیمت در الگوی بخشی اثر منفی بر سرمایه‌گذاری گذاشته، در حالی که در الگوی بنگاه اثر مثبت بر سرمایه‌گذاری دیده می‌شود. همین تعارض در نااطمینانی تولید نیز وجود دارد، با این تفاوت که در الگوی بخشی اثر مثبت و در الگوی بنگاه اثر منفی بر سرمایه‌گذاری دیده شده است. با وجود این، متغیر نااطمینانی نرخ ارز در هر دو الگوی بخشی و بنگاه اثر مثبت بر سرمایه‌گذاری را داشته است.

وجود تعارض بخشی - بنگاهی تنها به همین سطح خلاصه نمی‌شود و مطالعات غروی نخجوانی

همواره وجود دارد و همین امر امنیت فکری سرمایه‌گذار را در هدایت سرمایه به خطر می‌اندازد. به عبارت ساده‌تر، سبد سرمایه‌گذاری (Portfolio) با توجه به روحیات ریسک‌پذیری یا ریسک‌گریزی تغییر می‌کند.

رکود اقتصادی، پیامدهای تحریم، ورود سطوح بالاتر تکنولوژی و عدم دسترسی به بازارهای پولی کارآمد، از جمله عوامل نگران‌کننده فضای سرمایه‌داری بخش خصوصی بشمار می‌روند. طبیعی است که دولتمردان به این نکات واقفند و همین امر

همواره وجود دارد و همین امر امنیت فکری سرمایه‌گذار را در هدایت سرمایه به خطر می‌اندازد. به عبارت ساده‌تر، سبد سرمایه‌گذاری (Portfolio) با توجه به روحیات ریسک‌پذیری یا ریسک‌گریزی تغییر می‌کند.

رکود اقتصادی، پیامدهای تحریم، ورود سطوح بالاتر تکنولوژی و عدم دسترسی به بازارهای پولی کارآمد، از جمله عوامل نگران‌کننده فضای سرمایه‌داری بخش خصوصی بشمار می‌روند. طبیعی است که دولتمردان به این نکات واقفند و همین امر

سقوط قیمت‌ها در بازار بورس قبل از این که منعکس‌کننده مدیریت بازار بورس باشد، منعکس‌کننده ضعف مدیریت اقتصادی بنگاه‌هایی است که بدنه بورس متکی بر آنها بنا شده است. مدیران کم‌تجربه یا به اصطلاح جوان، در یک ساختار اقتصادی متکی بر لابی‌های سیاسی، کمتر می‌توانند نقش سازنده‌ای را عهده‌دار شوند، علت هم عدم‌آشنایی به قواعد اجتماعی موجود در فرهنگ بنگاه‌های اقتصادی است.

■ ■ ■  
**حل بحران سرمایه‌داری در ساختار اقتصاد ایران به سازگاری سیاست‌های اقتصادی و تغییر کش‌های اجتماعی بستگی دارد و نباید به این سازوکارها بی‌اعتنا بود و تنها به دادن تسهیلات بانکی اکتفا کرد.**  
 ■ ■ ■



② اولین و اساسی‌ترین مشکل سرمایه‌گذار در اقتصاد ایران، کمبود داده‌ها و در نتیجه، تعارض در ساختار اطلاعات است.

روند‌گذار از برنامه‌ریزی دولتی به برنامه‌ریزی غیرمتمرکز را با مشکل روبرو ساخته است.

شکاف بین نرخ بهره رسمی و غیررسمی بیان‌کننده عمق بحران در بازارهای مختلف سرمایه‌گذاری است. این اختلاف گسترده ممکن است ناشی از مکانیسم بازار و تعامل آن با نرخ تورم باشد، اما بالا رفتن نرخ بهره یا "ریبا" در بازارهای غیررسمی، ثمره عدم دسترسی آسان و بدون تنش سرمایه‌گذار به منابع مالی است. جالب توجه این که تورم در سطح کلان قدرت خرید مردم را کاهش داده، زمینه پس‌انداز اجباری را برای دولت فراهم می‌کند. Hayashy (۱۳)

هم نشان می‌دهد که تاثیر تغییرات رشد نقدینگی بر سرمایه‌گذاری واقعی طی نوزده سال دوره مورد مطالعه، در بخش صنعت مثبت و در بخش کشاورزی و خدمات منفی بوده است (۱۲).

بنابراین، ساختار تعارض به حوزه وسیعتری که بخش‌های مختلف را از یکسو و بنگاه‌های مختلف را در سوی دیگر تشکیل می‌دهد، تسری می‌یابد. ماهیت این تعارض هم محدود به ساخت بخش یا بنگاه نمی‌شود، بلکه پیوندهای بخش یا بنگاه را با سایر حوزه‌های ذریعته دربرمی‌گیرد. برای مثال، اگر وزیر دارایی تحت‌تاثیر تفکر بازار آزاد، ساختار درآمدهای مالیاتی را تدوین نماید، بخش خدمات رانت تصمیم‌گیری بیشتری را نسبت به بخش صنعت دریافت خواهد کرد، زیرا بخش خدمات نسبت به بخش صنعت قدرت مانور بیشتری را در خود نهادینه کرده است. همین نارسایی در بنگاه‌های مبتنی بر خودکفایی و بنگاه‌های مبتنی بر صادرات کالاها نیز قابل‌رویت است.

از سوی دیگر، تعارض‌های درون‌بنگاهی هم با توجه به سطح سرمایه‌گذاری و تکنولوژی مورد استفاده، قدرت چانه‌زنی متفاوتی در پیوندهای خود با ساختار سیاسی - اقتصادی دارند.

از این رو، ملاحظه می‌کنید که سرمایه‌گذار در سطوح مختلف تعارض که منجر به دریافت رانت یا سود اقتصادی می‌شود، با ریسک‌های متفاوتی روبرو می‌باشد. این که سود اقتصادی سرمایه‌گذار را رانت می‌بینیم، به این علت است که در شرایط اقتصاد دولتی و فقدان رقابت، سود حاصله تنها محصول فعالیت و تلاش سرمایه‌گذار نیست و خطاهای تصمیم‌گیری دولتی نیز به صورت رانت

به سود اقتصادی آنان افزوده می‌شود. از این رو، هر رویکردی را که در خصوص ساختار اقتصاد ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم، توجه به رانت‌های فوق یک الزام است، زیرا این رانت‌ها مسیر ارزش اضافی را در فرایند فعالیت‌های اقتصادی تعیین می‌کنند.

### بحران سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذار به طور طبیعی در طول زمان متوجه دریافت رانت می‌شود و همانطور که با دریافت رانت، قدرت اقتصادی بیشتری را اندوخته می‌کند، همزمان این نگرانی را دارد که امکان خطای تصمیم‌گیری

عدم توازن در حوزه ارتباطات بین بنگاه‌ها، و فقدان مکانیسم قیمتگذاری بهینه داده‌ها و ستانده‌ها، دومین عامل بحران‌زا برای مدیریت سرمایه است. از این رو، می‌توان بحث امنیت سرمایه‌گذاری را با رویکرد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد. بدیهی است که در هر رویکرد، متغیرهای خاص همان حوزه می‌بایست شناسایی شوند و پیوندهای منطقی آنها با سایر حوزه‌ها مورد مطالعه قرار گیرد.

### امنیت سرمایه

برخی از اقتصاددانان بر این باورند که در اقتصاد سرمایه‌داری، مهمترین عامل، بی‌ثباتی نرخ بهره است (Minsky - ۱۹۷۵)، در حالی که در اقتصاد کشورهای در حال توسعه، مهمترین عامل بی‌ثباتی را می‌توان نرخ تورم دانست. در اقتصاد سرمایه‌داری، نرخ بهره به علت گسترش سطح خلاقیت و نوآوری، از اهمیت زیادی برخوردار است، در حالی که کشورهای در حال توسعه با مشکل نوآوری روبرو هستند و معضل جمعیت و الگوی مصرف به شدت در چارچوب تحلیلی عرضه و تقاضا، سطح قیمت‌ها را افزایش می‌دهد و دولت‌ها نیز به علت مشکلات حکومتی، این سیاست را در دستور کار قرار می‌دهند که از طریق تورم، به دریافت مالیات‌ها و کاهش قدرت خرید - اصلاح ساختار - کمک می‌کنند.

■ ■ ■  
**امنیت سرمایه‌گذار هم زمانی فراهم خواهد شد که موزاییک یا ترکیب سرمایه‌های داخلی و خارجی توسط یک نظام بانکی مستقل حمایت شود.**  
 ■ ■ ■

در شرایط ایران، مطالعات نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی غالب، همان فرهنگ سیاسی تابع و سنتی است که حاکی از توسعه‌نیافتگی سیاسی است. شاخص‌هایی چون حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی نیز رشد چندانی ندارند. همچنین افراد نگرش صحیحی نسبت به مشارکت سیاسی ندارند. بوستانی (۱۳۸۲) با استفاده از دو پژوهش در سطح ملی که به تایید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز رسیده و در سال ۱۳۷۹ در مراکز ۲۸ استان کشور به اجرا درآمده، نشان می‌دهد که بنگاهداران، تجار، بازاریان و کسبه از

جدول شماره یک

### درصد اعتماد به اقشار مختلف مردم در سال ۱۳۷۹

بنگاهداران	۶/۵
تجار و بازرگانان	۱۱/۳
کسبه	۱۷/۲
راندگان تاکسی	۲۵
روزنامه‌نگاران	۳۰/۷
قضات	۴۴/۷
روحانیت	۴۶/۷
هنرمندان	۵۰/۵
کارگران	۵۱/۱
نیروی انتظامی	۵۱/۷
ارتشی‌ها	۵۵
پلیس راهنمایی	۵۵/۷
ورزشکاران	۶۲
پزشکان	۶۴/۳
استادان	۷۲/۱
معلمان	۸۰

مأخذ: پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها / ۱۳۷۹ / وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / ۱۳۸۱.

پایین‌ترین میزان اعتماد مردم برخوردارند. جدول شماره یک، میزان اعتماد را نشان می‌دهد (۱۴).

ملاحظه می‌کنید که طبقات سرمایه‌دار، یعنی تجار و بازرگانان، از کمترین میزان اعتماد برخوردارند و جامعه در کل گرایش فرهنگی و اجتماعی دارد. با این رفتارها و گرایش، برای تقویت امنیت سرمایه، ایجاد اعتماد به تجار و بازرگانان یک الزام است. به عبارت دیگر، حل بحران سرمایه‌داری در ساختار اقتصاد ایران، به سازگاری سیاست‌های اقتصادی و تغییر کنش‌های اجتماعی بستگی دارد و نباید به این سازوکارها بی‌اعتنا بود و تنها به دادن تسهیلات بانکی اکتفا کرد.

امر توسعه در کشورهای در حال توسعه - نیمه‌صنعتی، بدان دلیل پیچیده است که به چهار حوزه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی گسترش می‌یابد. بنابراین، سرمایه‌گذاری را نمی‌توان محدود به ساختار اقتصادی کرد.

رویه‌مرفته از بُعد امنیت اجتماعی، می‌توان شاخص‌های توسعه را به پنج بخش زیر تقسیم نمود (کاظم‌زاده / ۱۳۸۲) (۱۵):

- ۱- تحقق جامعه مدنی.
- ۲- علم‌گرایی در جامعه.

۳- قانون‌محوری.

۴- تحول در ساختار قدرت عامرانه.

۵- امنیت اجتماعی یا عمومی.

نوع توسعه، سرعت توسعه و ارزش‌های حاکم بر توسعه، فضای امنیت و تعادل اجتماعی را تعیین می‌کنند. برای مثال، سرعت توسعه در بخش حمل‌ونقل سالانه ۲۲ هزار کشته و بیش از ۴۰۰ هزار مجروح سطحی تا قطع نخاع را به دنبال دارد. این ارقام با ارقام تلفات سالانه جنگ رقابت می‌کنند!

درواقع، اگر بتوانیم ماهیت طبقه سرمایه‌دار را به درستی شناسایی کنیم، بخش قابل‌توجهی از امنیت سرمایه‌گذاری حل شده است. اگر این طبقه براساس بهره‌کشی موضوع دیدگاه‌های مارکس (۸۳-۱۸۱۸) ساختار خود را بنیانگذاری کند، به طور طبیعی بحران سرمایه‌داری کماکان در جهان سوم ادامه خواهد یافت، اما برعکس طبقه سرمایه‌دار ممکن است بر مبنای مهارت‌ها، ارزش‌های تحصیلی و شرایط اقتصادی، جایگاه و اعتبار اجتماعی لازم را کسب کند. در این شرایط، سرمایه‌دار با احترام اجتماعی روبرو است و امنیت وی توجیه دارد. این نگرش ماکس وبر (۱۹۲۰-۱۸۶۴) جامعه‌شناس معروف آلمانی است.

### خروج از بوروکراسی

ساختار اقتصاد ایران در چهار دهه گذشته، حاکی از روند رشد کارکنان دولت طی سال‌های (۱۳۸۰-۱۳۴۵) می‌باشد (جدول شماره دو).

در نگاه کلی، با لحاظکردن تمامی تحولات، ساختار کارکنان بوروکراسی دولتی طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۰ نزدیک به هشت برابر شده است. صرفنظر از الزامات افزایش ابعاد دولت، به دلایل رشد اقتصادی یا جنگ تحمیلی و سیاست‌های بازسازی، تغییرات حاصله در دولت به معنای مهار بخش خصوصی و کاهش قدرت خرید واقعی مردم است. به عبارت ساده‌تر، مردم با پرداخت مالیات، هزینه مدیریت بوروکراسی دولت را پرداخته‌اند و قدرت پس‌اندازشان کاهش یافته است. دولت هم به علت اتکای به قدرت و طبیعت ساختاری، با افزایش ارتش و اختلاس مسیر نقدینگی را از سرمایه‌گذاری‌های مولد به سوی سرمایه‌گذاری غیرمولد سوق داده است. برای مثال، در تهران خرید یک باب واحد مسکونی (آپارتمان) بر مبنای قدرت خرید یک معلم استخدام

جدول شماره دو

روند افزایش کارکنان دولت ایران

سال	تعداد کارکنان	شاخص ۱	شاخص ۲	شاخص ۳
۱۳۴۵	۳۰۰۰۰۰	۱۰۰	—	—
۱۳۵۵	۶۶۲۷۰۰	۲۲۱	۱۰۰	—
۱۳۶۵	۱۴۲۴۰۲۸	۴۷۵	۲۱۵	۱۰۰
۱۳۷۰	۲۱۱۲۸۱۱	۷۰۴	۳۱۹	۱۴۸
۱۳۷۲	۲۱۹۸۸۶۵	۷۳۳	۳۳۲	۱۵۴
۱۳۷۶	۲۳۶۰۳۲۰	۷۸۷	۳۵۶	۱۶۵
۱۳۷۸	۲۲۵۲۶۲۵	۷۵۱	۳۴۰	۱۵۸
۱۳۸۰	۲۳۲۸۶۳۵	۷۷۶	۳۵۱	۲۳۳

مأخذ: مرکز آمار ایران / سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (شاخص‌ها توسط نویسنده جهت تحلیل محاسبه شده است)

دولتی، معادل صددرصد پس‌انداز کل دریافتی طی بیست سال می‌باشد! بدیهی است که این انتقال قدرت خرید از کار به زمین، باعث انباشت سرمایه‌های بادآورده می‌شود.

هدایت و مدیریت این سرمایه‌ها در ایران کار بسیار دشواری است، زیرا هزینه شناخت فرصت‌های از دست‌رفته اجتماعی در کوتاه‌مدت زیاد است. عدم موفقیت برنامه‌های پنج‌ساله قبل و بعد از انقلاب نیز نشان‌دهنده این موضوع است که برنامه‌ریزان بیش از حد آرمانگرا می‌باشند و شناخت محدودیت‌های مردم یا ترکیب مناسب عوامل تولید با هدف ارتقای سطح رفاه عمومی بسیار دشوار است.

راهکار اصلی خروج از بوروکراسی نیز همانا کوچک‌سازی دولت است و این مهم زمانی به انجام می‌رسد که بخش خصوصی، برنامه مشارکت در توسعه و برنامه‌های فعالیت اجتماعی را موثر و مثبت تلقی کند و این زمانی میسر خواهد شد که امنیت اجتماعی - اقتصادی سرمایه‌گذار تامین شده باشد. امنیت سرمایه‌گذار هم زمانی فراهم خواهد شد که موزاییک یا ترکیب سرمایه‌های داخلی و خارجی توسط یک نظام بانکی مستقل حمایت شود.

رویکردهای مصنوعی یا شبیه‌سازی‌های نامناسب در درازمدت اعتماد سرمایه‌دار را نسبت به ادامه و گسترش فعالیت کاهش داده، حضور کارآفرینان را در عرصه تولید کالاها و خدمات با مشکل روبرو می‌سازد. رویدادهای غیرمنتظره و غیرقابل‌کنترل نیز همواره مانع اصلی در مسیر کارگزاران سیاسی بوده و اصلاحات را با مانع روبرو می‌سازند. تقسیمات کشوری اگرچه زمینه تمرکززدایی را

تقویت کرده، اما در افزایش ابعاد دولت بی‌تاثیر نبوده است. آنچه مسلم است، بیکاری گسترده، فرار سرمایه، تورم بالا و نافرمانی‌های مدنی، از جمله عواملی هستند که عدم‌سازگاری کافی بین سیاست‌های دولت و برنامه‌ها را نشان می‌دهند.

نکته اصلی

حقیقت امر این است که سرمایه‌گذار امنیت کاری می‌خواهد و این امنیت در حوزه‌های چهارگانه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی (فاسا) متغیرهای کمی و کیفی مختلفی را به حرکت درمی‌آورد. مرکزیت این تحولات، آزادسازی سیستم از بوروکراسی شدید دولتی است. این مهم با کوچک‌سازی دولت و کاهش تعهدات دولت نسبت به جامعه در یک دوره زمانی مناسب می‌بایست به انجام برسد. تقویت بخش خصوصی و افزایش پس‌انداز مردم در این فرایند نباید از نظرها دور بماند.

امنیت در هزاره سوم به قدرت نظامی خلاصه نمی‌شود و امنیت در سایه آزادی و دموکراسی تحقق می‌یابد.

بزرگترین معضل دموکراسی، پنهانکاری است که در ساختارهای اقتصاد دولتی، عامل پوششی جهت اختلاس و ارتشا می‌باشد.

عدم توجه به مسایل فوق و فقدان برنامه در جهت دستیابی به این فرایند، امر فروپاشی و تزلزل را تسریع خواهد کرد و نباید نسبت به این مهم بی‌توجه و بی‌تفاوت باشیم.

وظایف تمامی اقشار جامعه، تقویت اعتماد عمومی و پرهیز از قانون‌گریزی است. قوانین نیز می‌بایست با طبیعت یک جامعه پیشرو سازگار باشند و از استبدادگرایی پرهیز شود.

تجربه نشان می‌دهد که ساختار اقتصاد ایران طی سده اخیر فرایندهای دشواری را پشت سر گذاشته و توانایی گذار از یک فرایند متمرکز را در خود می‌بیند. بنابراین، نباید از این نقطه قوت فاصله بگیریم، و موفقیت‌های گذشته را ناچیز بشماریم. امروز، شرایط بسیار مثبتی برای نهادینه‌کردن آزادی در جامعه ایران یافت می‌شود و نباید این فرصت تاریخی را به سهولت از دست داد.

منابع

- عبیری، غلامحسین / ۱۳۷۹ / آزادسازی: نظریه‌ها، روش‌ها و کاربردها / انتشارات ثمین / صفحه ۱۲۴.
- اقبالی، علیرضا و... / ۱۳۸۳ / بررسی رابطه میان مخارج دولتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی - مطالعه موردی ایران / فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی / شماره اول / سال چهارم / صفحات ۱۵۹-۱۳۷.
- بقایی‌فر، مهنوش / ۱۳۷۹ / بررسی کارایی مخارج دولت در سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن طی دوره ۷۷-۱۳۵۰ / پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دانشگاه الزهرا.
- جلالی نایینی، احمدرضا و ناصر خیابانی / ۱۳۷۶ / اثر متغیرهای اقتصاد کلان بر تراز تجاری ایران / پژوهشنامه بازرگانی / شماره سوم / صفحه ۵۴-۱.
- خلیلی عراقی، منصور / ۱۳۷۶ / آزمونی از پدیده جایگزینی اجباری در اقتصاد ایران / مجله تحقیقات اقتصادی / شماره ۵۱.
- غروی نخجوانی، احمد / ۱۳۸۱ / تاثیر سیاست‌های عرضه پول بر سرمایه‌گذاری در بخش‌های اصلی اقتصاد ایران / فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی / سال دوم / شماره چهار / صفحات ۹۳-۶۷.
- سالنامه آماری کشور / ۱۳۸۳ / مرکز آمار ایران / سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور / صفحه ۵۳۹ و صفحه ۵۴۱.
- تفضلی، فریدون / ۱۳۷۲ / تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره معاصر / تهران / نشر نی.
- Keynes, J.M / 1936 / The General Theory of Employment, Interest and Money / New York / Harcourt / Brace & Co.
- پژویان، جمشید و عبدالله دوانی / ۱۳۸۳ / حساسیت سرمایه‌گذاری در واکنش به نرخ سود بانکی / فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی / پژوهشکده امور اقتصادی / سال چهارم / شماره ۳ / صفحات ۵۱-۱۳.
- داروغه، جمشید و تیمور محمدی / ۱۳۸۴ / سرمایه‌گذاری در شرایط نااطمینانی - مورد مطالعه ایران / صفحات ۸۰-۴۹.
- غروی نخجوانی، احمد / ۱۳۸۱ / تاثیر سیاست‌های عرضه پول بر سرمایه‌گذاری در بخش‌های اصلی اقتصاد ایران / صفحات ۹۴-۶۷.
- Hayashi, F. / 1985 / The Permanent Income Hypothesis and Consumption Durability / QJE / Vol.100 / Nov.
- بوستانی، داریوش / ۱۳۸۲ / سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی در ایران / مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه / صفحات ۸۳-۶۱ / جلد سوم / موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی / دفتر همایش‌های تخصصی و امور بین‌الملل / ۱۳۸۴.
- کاظم‌زاده، اکبر / ۱۳۸۲ / امنیت اجتماعی و توسعه / مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه / موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی / جلد سوم / صفحات ۲۵۵-۲۴۵.